



آشنایی با اندیشه های برنارد لویس

روایت لویس از اختلافات تاریخ

علیرضا خدادوست

لیسانس از دانشگاه لندن در سال ۱۹۳۶ پس از چهار سال، در سن بیست و چهار سالگی از رساله دکترایش با عنوان: ریشه‌های اسلام‌گرایی دفاع کرد.

مبنای مطالعات لویس، اسناد کتابخانه ملی ترکیه در استانبول بود که اسناد تاریخی مهمی از امپراتوری عثمانی را بر وی عرضه کرد. او در این مرحله کتابی درباره فرایند مدرن شدن ترکیه از نگاه ترک‌ها نوشت که در سال ۱۹۶۱ با عنوان *The emergence of modern Turkey* منتشر شد.

وجه مشخصه لویس در این کتاب و آثار بعدی‌اش فاصله گرفتن از نگاه غالب بر شرق‌شناسان اروپایی است.

کتاب‌هایی نظیر *نخستین مسلمانان در اروپا* که توسط محمد قائد به فارسی ترجمه شده، برخورد فرهنگ‌ها و خاورمیانه^۴، از جمله آثار شاخصی هستند که نویسنده تلاش کرده این نوع نگاه را در نگارش آن‌ها لحاظ کند. شناخته‌شده‌ترین اثر لویس *خاورمیانه*^۵ است

به شیوه‌هایی بیندیشیم که قبلاً معمول نبوده است.»

هر چند که بررسی روابط متقابل سه دین اسلام، مسیحیت و یهودیت در پس‌زمینه همه آثار لویس قابل مشاهده است اما عمده تلاش وی در این رابطه در کتاب‌های اخیرش نمود پیدا کرده است.

این مورخ انگلیسی-آمریکایی که سال آینده نهمین دهه زندگی‌اش کامل می‌شود از نگاه برخی منتقدان، تأثیرگذارترین مورخ بعد از جنگ در اروپا و امریکاست.

وی از نخستین تاریخ‌نویسانی است که رویکرد تازه‌ای به تاریخ داشته و مسائل و واقعیت‌های اجتماعی اقتصادی را در مطالعه تاریخ کاربردی کرده است. همین رویکرد باعث شده تا آثار وی صرفاً به روابط حول و حوش مسجد و دیوان حکومتی خلاصه نشود و زندگی روزمره و فرهنگ مردم نیز در این مطالعات سهم عمده‌ای داشته باشند.

لویس پس از طی مراحل مقدماتی و اخذ

برنارد لویس (متولد ۱۹۱۶) در حال نمونه‌خوانی آخرین کتابش درباره تأثیر غرب و واکنش خاورمیانه بود که حملات یازدهم سپتامبر به وقوع پیوست و شاهدی بزرگ بر آن چه او تألیف کرده بود بر همگان نمایان شد. شاهدی که نوع نگاه تاریخ‌نگاران را تغییر داد و روابط اسلام و جهان غرب را وارد مرحله تازه‌ای کرد.

لویس در مقاله‌ای با عنوان «ادیان و برخورد تمدن‌ها»^۶ می‌نویسد: «از مدت‌ها قبل در جهان جدید غرب معمول بوده که در درجه اول خویشتن را مطابق ملیت‌مان معرفی کنیم و هویت‌ها و معتقدات دیگرمان اعم از دینی و سیاسی و غیره را فرع بر آن مالکیت بزرگ‌تر و مهم‌تر بدانیم. اما حوادث یازدهم سپتامبر و پس از آن، ما را متوجه تلقی دیگری کرده است؛ بدین معنی که عده‌ای معتقدند یک دین است که به چند ملیت منشعب می‌شود، نه یک ملیت به چند دین. و این امر ما را بر آن داشته است که درباره خویش و روابطمان با دیگران





که به بیش از بیست زبان از جمله فرانسه، اسپانیایی، پرتغالی، ایتالیایی، آلمانی، هلندی، دانمارکی، چکی، ژاپنی، چینی، کره‌ای، ترکی، عبری و فارسی ترجمه شده است. او در مقدمه این کتاب توضیح می‌دهد که: «کتاب‌های خاورمیانه بیشترشان یا با ظهور مسیحیت به پایان می‌رسند یا با آمدن اسلام آغاز می‌شوند.

من کتابم را از ابتدای عصر مسیحیت شروع کردم و از این عمل دو منظور دارم: اول آن که می‌خواهم حق مطلب را درباره دو امپراتوری بزرگ ایران و روم (بیزانس) ادا کنم و در ضمن نقش عربستان قبل از اسلام را هم در پیش‌زمینه حیات پیغمبر ص. و در پیدایش حکومت اسلامی از قلم نیندازم.

منظور دیگرم آن است که میان خاورمیانه‌ای که اکنون می‌شناسیم و تمدن‌های کهن این منطقه بدان گونه که در متون و آثار قدیم آمده، نوعی ارتباط برقرار کنم.»

لویس در این کتاب مهم، دگرگونی‌های خاورمیانه را بررسی کرده است. ابتدا به دو امپراتوری بزرگ ایران و روم می‌پردازد، سپس به پیدایش یکتاپرستی و رشد مسیحیت و ظهور و گسترش شگرف اسلام، امواج مهاجمان مشرق‌زمین و لشگرکشی مغول و برآمدن ترکان عثمانی و تغییر موازنه قوا بین جهان اسلام و جهان مسیحیت می‌پردازد.

لویس ضمن تشریح نیروهای شکل‌دهنده خاورمیانه به نفع‌فراگیر اندیشه‌ها و تکنولوژی غرب در عصر جدید نیز می‌نگرد. او در این کتاب، تغییرات فرهنگی خاورمیانه را که از ناحیه ارتباط با سایر ملل و تمدن‌ها به وجود آمده، به تصویر می‌کشد و یکی از مصادیق جالبی را که به این منظور برمی‌گزیند نحوه پوشش مردم خاورمیانه است.

او در اوایل کتاب با بیان نقش مهم لباس به عنوان یک عنصر هویت‌بخش در فرهنگ‌های این منطقه، به تناسب تغییرات ایجادشده، تغییر لباس را نشان می‌دهد.

لویس در این کتاب نتایج حاکمیت مغولان بر سرزمین‌های اسلامی را بررسی می‌کند و در بخش‌های پایانی کتاب توجه خود را معطوف به تحولات دویست سال اخیر در خاورمیانه می‌کند.

به طور طبیعی بخش عمده‌ای از مباحث درباره امپراتوری عثمانی است و در نهایت، در صفحات آخر کتاب، تحولات قرن بیستم

و اقتصادی شد و فرآیند دگرگونی اجتماعی دامنه‌داری را گشود.»^۶

«مشکل از کجا آغاز شد؟»؛ این عنوان، ترجمه‌ای است از جمله همان کتاب معروفی که در آغاز مطلب درباره آن سخن گفتیم. عنوان فرعی این کتاب چنین است: **Western Impact and Middle east response**

پرسش اصلی برنارد لویس در فضایی که اسلام در برابر غرب قرار می‌گیرد این است: «آیا اسلام بنیادگرا تهدیدی برای غرب است؟»

او به تفصیل این پرسش را باز می‌کند و سابقه آن را می‌کاود. لویس می‌نویسد: «بنا بر عقیده‌ای اسلام و بنیادگرایی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و جنبش کمونیستی به عنوان خطری عمده برای غرب و ارزش‌هایش مطرح است. بنابر نظریه دیگری، مسلمانان

را بررسی می‌کند و به کشمکش‌های سرزمین فلسطین و شکل‌گیری اسرائیل و در نهایت انقلاب ایران می‌رسد.

لویس درباره ایران چنین می‌نویسد: «نخستین انقلاب خودسامان در خاور میانه، انقلاب مشروطیت ایران در ۱۹۰۵ بود... در دهه آخر قرن بیستم اکثریت مطلق دولت‌های منطقه از طریق براندازی خشونت‌آمیز حکومت‌های پیش از خود سر کار آمده بودند. در مواردی بسیار نادر این تغییر نظام ناشی از جنبشی ژرف‌تر در جامعه بود و علت‌های مهم‌تر و پیامدهای شگرف‌تر از جابه‌جایی مصادر امور داشت. یکی از این موارد قطعاً انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ ایران بود.»

«آن‌چه در ایران روی داد، چه نیک و چه بد، انقلابی به مفهوم کلاسیک، جنبشی توده‌ای و بهره‌مند از وجهه مشارکت عمومی بود که منجر به تغییر اساسی قدرت سیاسی



حتی تمامیت خواهان متعصب، انسان‌هایی نیک‌سیرت‌اند که مذهب را محترم می‌شمردند و خواهان صلح‌اند و از دیدگاه برخی افراد، مسلمانان به وسیله اعمال نفرت‌انگیزی که توسط غربی‌ها به آن‌ها تحمیل شده است در تنگنا قرار گرفته‌اند.

در هر دو تحلیل از منظر روان‌شناسی دشمنانی را می‌بینیم که به علت نیاز غرب به آن‌ها جای‌گزین اتحاد جماهیر شوروی شده است.

هر دو دیدگاه قسمتی از حقیقت را بیان می‌کنند ولی هر دو نادرست هستند. اسلام دشمن غرب نیست ولی مسلمانانی وجود دارند که تمایلی به تعمیق روابط اسلام و غرب و توسعه نهادهای دموکراتیک در کشورهایشان ندارند.

البته شمار قابل ملاحظه‌ای از مسلمانان واقعاً دشمن غرب هستند و برای آن‌ها راهی جز جنگ مرگ‌بار به منظور اجرای فرامین الهی، آن‌چنان که خود تفسیر می‌کنند، وجود ندارد.

عده‌ای دیگر در حالی که یک مسلمان راستین باقی می‌مانند و به ضعف‌های جامعه مدرن غربی آگاهی دارند، شایستگی‌های آن را نیز در نظر می‌گیرند. عده‌ای هم در حالی که بر عقاید و فرهنگ خود پای‌بند شده‌اند، دوست دارند که به منظور بنای یک جهان بهتر و آزادتر به غرب بپیوندند.

جمعی دیگر غرب را به عنوان دشمن قسم‌خورده و منبع تمامی شرارت می‌دانند. ولی توان غرب را بررسی می‌کنند و به آتش بس تن می‌دهند تا خود را برای نبرد نهایی آماده کنند. هرچند که لوییس تصویری مختصمه‌آمیز رسم کرده و شواهد هم چنین تصویری را تأیید می‌کند، او به تفاهم بهتر در آینده امیدوار است. او می‌نویسد: «در حال حاضر در غرب ما با جنگی دست به گریبانیم که از طرف ما جنگ با تروریسم است و از طرف تروریست‌ها و به عقیده آن‌ها جنگ با کفر. همچنین هستند کسانی در هر دو طرف که این جنگ را پیکار بین تمدن‌ها یا بین ادیان می‌دانند.»

اگر آنان درست بگویند و بسیاری چیزها مؤید همین نظر است، باید تصدیق کرد برخورد این دو تمدن دارای هویت دینی نه تنها ناشی از اختلافات، بلکه همچنین برخاسته از تشابهات آن‌ها با یکدیگر است، که در این صورت ممکن است امیدی به تفاهم بهتر در آینده وجود داشته باشد.

جمع‌بندی نظرات نویسنده در این کتاب حاکی از این است که در طول قرن بیستم بر خاورمیانه و همه سرزمین‌های اسلامی معلوم شد که برای آن‌ها وضع ناخوشایندی پیش آمده است. جهان اسلام در مقایسه با رقیب هزارساله آن (مسیحیت) فقیر، ضعیف و واپس مانده است. در طول سده‌های نوزدهم و بیستم، برتری و سلطه غرب آشکار شد و مسلمانان دیدند که چگونه غرب همه جنبه‌های زندگی عمومی و خصوصی آنان را تسخیر کرده است. لوییس سپس طیف نظرات مختلفی را که درباره علل این عقب‌ماندگی از سوی افراد مطرح شده ترسیم می‌کند.

او می‌نویسد: «برای توجیه ناکامی‌ها معمولاً نكوهش دیگران آسان‌تر و رضایت‌بخش‌تر است. تا مدت‌ها مغول‌ها آن شر مطلوب بودند. عرب‌ها می‌توانستند ترک‌ها را که چندین قرن بر آن‌ها حکم رانده بودند، مقصر گرفتاری‌هاشان جلوه دهند. ترک‌ها نیز می‌توانستند رکود تمدن خود را متوجه بار سنگین اعراب بدانند. ایرانی‌ها هم می‌توانستند از دست رفتن شکوه باستانی خود را به یکسان بر سر اعراب، ترک‌ها و مغول‌ها آوار کنند.»

«دوران سروری فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها در بخشی از جهان عرب سپر بلای جدید و موجه‌تری را به دست اینان داد: امپریالیسم غرب. اما در نیمه قرن، تلاش برای انتقال بار گناه به امریکا پشتوانه در خور توجهی یافت. یک عامل دیگر اروپایی که بر شدت این مجادله افزود، یهودستیزی و نکوهش یهودیان برای همه گرفتاری‌ها بود.»

«شکل پیچیده‌تری از این بازی نکوهش، هدف خود را در داخل و نه بیرون از جامعه اسلامی می‌جوید یکی از این هدف‌ها مذهب و نزد برخی مشخصاً اسلام است. این نکته اغلب مطرح شده که اسلام مانعی در برابر آزادی و گسترش علم و توسعه اقتصادی است. این در حالی است که در بخش اعظم سده‌های میانه، فرهنگ‌های قدیمی شرق و فرهنگ‌های جدیدتر غرب مراکز عمده تمدن و پیشرفت نبودند بلکه جهان اسلام در میانه آن‌ها چنین نقشی داشت.»

نویسنده برای جمع‌بندی این بحث می‌گوید: «در روزگار کنونی دو پاسخ، هر یک بنا به تشخیص خود از نوع بیماری و تجویز مرتبط با آن، حمایت گسترده‌ای را در منطقه به خود جلب کرده است. یکی همه مصیبت‌ها را ناشی

از رها کردن میراث الهی اسلام می‌داند و از بازگشت به گذشته واقعی یا خیالی طرف‌داری می‌کند. این همان راه انقلاب ایران و جنبش‌ها و رژیم‌های به اصطلاح بنیادگرا در سایر کشورهای مسلمان است. راه و پاسخ دیگر، دموکراسی عرفی است که به بهترین شکل در جمهوری ترکیه تجلی یافته است. در عین حال بازی نکوهش دیگران هم‌چنان ادامه دارد.»

لوییس معتقد است اگر مردم خاورمیانه به راه کنونی خود ادامه دهند، بمب‌گذاری انتحاری ممکن است به نمادی برای تمام منطقه تبدیل شود و یک روند روبه‌گسترش نفرت و کینه را شاهد باشیم. ولی اگر استعداد و انرژی و منابع خویش را در قالب کوششی خلاق و مشترک به کار گیرند، آن‌گاه یک بار دیگر و در عصر خاورمیانه مدرن، هم‌چون دوران باستان و سده‌های میانه، این منطقه می‌تواند به مرکز عمده تمدن تبدیل شود. اکنون توپ در زمین آن‌هاست.

لوییس پس از بازنستتگی از دانشگاه پرینستون در ایالت نیوجرسی، در سال ۱۹۸۶ به عنوان استاد مدعو در دانشگاه‌های مختلف اروپا و امریکا به تدریس اشتغال داشته است. دانشگاه‌های کلمبیا، لوس‌آنجلس، برکلی، ایندیانا و کولژدوفرنس شیکاگو و مدرسه مطالعات عالی علوم اجتماعی پاریس از جمله مراکزی هستند که لوییس میهمان آن‌ها بوده است.

برخی از آثار دیگر لوییس عبارت‌اند از:

اعراب در تاریخ^۴ (۱۹۵۰)

حشاشین^۵ (۱۹۶۷)

زبان سیاسی اسلام (۱۹۸۸)

تژاد و بردگی در خاورمیانه^{۱۰} (۱۹۹۰)

اسلام و غرب^{۱۱} (۱۹۹۳)

هویت چندگانه خاورمیانه (۱۹۹۹)

پی‌نوشت:

1. Bernard Lewis

۲. این مقاله توسط دکتر عزت‌الله فولادوند به فارسی ترجمه شده است.

3. The Muslim Discovery of Europe 1983

4. Cultures in conflict

5. The middle east

۶. کامشاد، خاورمیانه، نشر نی، ۱۳۸۳

7. What went Wrong?

8. The arabs in history

9. The assisian: A radical sect in islam

10. Race and color in Islam

11. Islam and West